

علوم اجتماعی (۱ از ۳)

ما انسان‌ها متأثر از **اجتماعاتی** هستیم که خود پدید می‌آوریم.

مطالعه علمی این اجتماعات به شکل‌گیری **علوم اجتماعی** انجامید.

در واقع **علوم اجتماعی** به **دانش‌هایی** گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به **روش علمی** مطالعه می‌کنند.

علوم انسانی درباره کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند.

علوم انسانی از **فعالیت‌های غیرارادی** انسان‌ها بحث نمی‌کند.

زیرا فعالیت‌های غیرارادی، **کنش** نیستند. علمی که به این پدیده‌ها می‌پردازد، با آن‌که درباره انسان بحث می‌کنند، جزء **علوم انسانی** نیستند؛ مانند علم پزشکی که به بدن انسان و سلامتی و بیماری آن می‌پردازد ولی جزء علوم طبیعی محسوب می‌شود.

موضوع علوم طبیعی، پدیده‌های طبیعی هستند.

پدیده‌های طبیعی برخلاف کنش‌ها و پیامدهای آن، به **تصمیم** و **اقدام** انسان‌ها وابسته نیستند، بلکه **مستقل** از اراده انسان‌ها و اهداف و معانی مورد نظر آن‌ها، وجود دارند.

ولی **علوم اجتماعی**، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند.

موضوع علوم انسانی **عام‌تر** از **موضوع علوم اجتماعی** است.

درحالی‌که **موضوع فلسفه اصل وجود** است؛

سخت‌نگیر، یاد‌بگیر

یعنی به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد؛ بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند.

این قوانین شامل همه موجودات می‌شود و مخصوص موجودات طبیعی یا انسانی و اجتماعی نیست.

مانند قانون علیت. قانون علیت می‌گوید هر پدیده طبیعی، انسانی و اجتماعی علتی دارد و خود به خود، اتفاقی در جهان رخ نمی‌دهد.

بنابراین فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی و اجتماعی؛ بلکه خود دانشی مستقل است.

مدرسه مجازی اینو